

تبیین مبانی و اصول تربیتی اسلام در اخلاق درست محور

دکتر ناسی ساکی

گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰)

چکیده

زمینه: محاسن اخلاقی نیکو و معایب اخلاقی ناپسند پیوسته مورد توجه اندیشمندان، عالمان علم اخلاق بوده و نقش و تاثیر آن‌ها در زندگی و شکل دادن به جوامع انسانی از مباحث علمی و فلسفی بسیار مهمی است که توجه دانشمندان امور تربیتی و فلاسفه را همواره به خود جلب می‌کرده است. خلق‌های نیکو و خوی‌های پسندیده زمینه رشد روحی و تعالی روحی و معنوی را برای انسان فراهم می‌آورد. تخلق به اخلاق نیکو و مکارم اخلاقی ریشه در نهاد و فطرت آدمی دارد، مسئله قابل توجه در آن است که برخی از فلاسفه در کتب تفسیری خود برداشت‌های مختلفی پیرامون تعالیم اخلاقی اسلام ارائه نموده‌اند. در این مقاله پژوهشگر بر آن است تا با روش تحلیل - توصیفی مبانی و اصول تربیتی اسلام در اخلاق درست محور در ۵ مورد تبعیت از هوای نفس، احترام به والدین، خودکشی و قتل، تعجیل در امور، خشم را مورد تحلیل قرار دهد.

نتیجه گیری: اولیای الهی و به‌خصوص انبیاء، از جمله پیامبر عظیم شان اسلام، برای تبدل اخلاق سیئه به اخلاق حسنه در انسان مبعوث شده‌اند. با نگاهی به تعالیم اسلام نکات متعددی در تربیت اسلامی دیده می‌شود که بر اخلاق تاکید می‌شود. در اسلام و تعالیم اسلامی تربیت اخلاقی اهمیت فراوان دارد. در این مقاله ۵ تعالیم اخلاقی در اسلام مورد توجه قرار گرفت که مشخص می‌کرد تبعیت از هوای نفس، عدم احترام به والدین، خودکشی و قتل، تعجیل در امور و خشم گرفتن افعالی غیراخلاقی هستند و انسان برای دست یابی به رشد معنوی و رسیدن به کمال باید از این سیئات دوری کند.

کلیدواژگان: اسلام، اخلاق، اخلاق درست محور، مبانی تربیتی

سرآغاز

رهبران آسمانی^۱ و پیشوایان معصوم که خود از عالی‌ترین سجایای اخلاقی^۲ و برترین کریمه‌های انسانی برخوردار بوده‌اند و در حمایت و هدایت افراد جامعه و ارشاد گمشدگان راه فضیلت، مرتفع‌ترین قله‌های بی‌قراری و اهتمام را فتح نموده‌اند، با گوهرهای ناب همچون «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» جامع‌ترین و زیباترین برنامه‌های انسان سازی را فرا راه مردم قرار داده‌اند، همواره و در همه حال آنان را به خلق‌های نیکو و صفات متعالی فرا خوانده‌اند (۱). فضایل اخلاقی از ارزش‌های فطری^۳، همیشگی و ابدی است و به هیچ وجه نباید آن‌ها را در زمره امور قراردادی و اعتباری به حساب آورد. حیات انسانی و فضیلت‌های معنوی^۴، لازم و ملزوم یکدیگرند. انسان منهای ارزش‌های اخلاقی^۵، انسان نیست، و تلاش در زمینه دستیابی به دانش و تکنولوژی بدون فعالیت در جهت اعتلای معنوی، حرکت تکاملی و پیشرفت و ترقی محسوب نمی‌گردد (۱). علاوه بر این بخشی از تعالیم اسلام را مسائل اخلاقی تشکیل می‌دهد، چرا که در پرتو رعایت اصول اخلاقی

انسان هم می‌تواند به تعالی معنوی^۶ دست یابد و هم موجبات تحکیم روابط اجتماعی و بهبود زندگی جمعی را فراهم سازد. خداوند متعال در قرآن پیامبر را که متخلق به اخلاق متعالی بوده، را ستوده و در توصیفش به اخلاق بردبارانه، دلسوزی و کرامت‌ش فرموده: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و راستی که تو را خوبی والا است!» (قلم، ۴) تأکید قرآن و روایات معصومین (ع) به تعالیم اخلاقی بیانگر اهمیت آن‌هاست و در تکمیل این اهمیت پیامبر (ص) نیز علت بعثت خویش را چنین بیان کرده: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.» (۲) بر این اساس تکامل اخلاقی در فرد جامعه مهم‌ترین هدفی است که اسلام بر آن تکیه می‌کند. با توجه به اینکه مسائل اخلاقی در هر برهه‌ای از زمان از اهمیت ویژه برخوردار است ولی در جهان معاصر این حقیقت انکار ناپذیر است که با گسترش صنایع بشری همچون ماهواره و اینترنت و هزینه‌های سرسام‌آوری که برای گسترش مفاسد اخلاقی - مصرف

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: N.Saki@scu.ac.ir



می‌شود، نوعی بی‌توجهی به سازندگی اخلاقی^۷ را در میان جوامع بشری پدید آورده که این عدم توجه به سازندگی اخلاقی منجر به بروز نابسامانی‌های روحی و اخلاقی در انسان شده که نتیجه آن سقوط انسان از محدوده اخلاق می‌شود.

تفسیر اخلاق اسلامی که در بطن آیات قرآن آمده است از دیرباز چه به صورت جزئی و چه به صورت کلی مورد عنایت بسیاری از فلاسفه قرار گرفته است. صراحتی که در مفاهیم آیات اخلاقی وجود دارد باعث ایجاد انگیزه در تبیین و تفسیر این آیات گشته و بدین ترتیب به هدف تربیتی و هدایتی این آیات توجه لازم مبذول شده است. بررسی و تبیین مبانی و اصول تربیتی اسلام در اخلاق درست محور هدف این مقاله است. از این رو در این پژوهش و در راستای تحلیل این مساله پژوهشگر در پی پاسخ به این سوالات است که: هدف تربیتی از احیای فضیلت‌های اخلاقی و ارزش‌های متعالی در نهاد انسان‌ها چیست؟ اسلام چه اصول و مبانی اخلاقی و تربیتی را بیان می‌دارند؟

بحث

تربیت به چه معناست؟

«رباً، یربؤ» به معنای رشد کردن و برآمدن (۳) و «ربا یربو» به معنای رشد و فزونی است (۴)، با توجه به اینکه هر دو مشتق این واژه در یک معنا آمده است، بعید نیست که هر دو ریشه به یک اصل معنایی بازگردند. (۴). با توجه به تعدد بودن این واژه در معنای زیاد کردن، رشد و نمو دادنو پرورش دادن نیز آمده است (۵). بنابراین تربیت^۸ عبارت است از: «فرایند زمینه سازی، معرفی، و به کارگیری راه کارهای بینشی، گرایشی و رفتاری و رفع موانع به منظور رشد و شکوفایی همه استعدادهایی که خداوند در سرشت انسان نهاده است» (۶). برخی محققان علوم اسلامی در تعریف تربیت این گونه بیان می‌دارد: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم، نه این که به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم» (۷). با توجه به معنای تربیت پیرامون تربیت اسلامی می‌توان گفت:

– تربیت اسلامی یعنی پرورش همه جنبه‌های فکری و عاطفی و جسمی و اجتماعی شخصیت اسلامی^۹ و ساماندهی رفتارهای او بر اساس مبانی و دستوره‌های اسلامی برای تحقق هدف‌های اسلام در زمینه‌های گوناگون زندگی (۸).

– تربیت اسلامی یعنی شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر (۹). – تربیت اسلامی عبارت است از شکوفایی استعدادهای خدادادی در هر انسان، به منظور ایجاد اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوندی (۱۰).

سخن جامع در تعریف اصطلاحی تربیت در نزد اندیشمندان اسلامی، به فعلیت رساندن استعدادهای ذاتی است که خدا در انسان به ودیعت نهاده و با استفاده از عقل و نقل می‌توان آن‌ها را از بالقوه به بالفعل تبدیل و نمایان کرد.

اخلاق چیست؟

واژه اخلاق^{۱۰} جمع خُلُق و خُلُق است و در لغت به معنی «سرشت خوی و طبع است و به معنای صورت درونی و باطنی و نا پیدای انسان است و در مقابل خُلُق به صورت ظاهری انسان که با چشم قابل روئیت است اطلاق می‌شود.» (۱۱). این دو واژه از یک ریشه اند. با این تفاوت که خلق به حالات نفسانی و صفات درونی گفته می‌شود؛ اما خلق جنبه جسمی و بدنی انسان را می‌گویند. (۱۲). خلق هیئت راسخه در نفس است که مصدر افعال انسانی می‌شود (۱۳). در تعریف اخلاق باید گفت که این کلمه از ریشه «خُلُق» به معنای بهره و نصیب مشخص می‌باشد، اگر چه برای دو لفظ «خُلُق» و «خُلُق» نیز معنی تقدیر و شکل و اندازه چیزی به کار رفته است. در نتیجه شخص با اخلاق کسی است که بهره فراوانی از فضائل و ردائل اخلاقی را داراست، زیرا فضائل یا ردائل اخلاقی هستند که حالت صفت و ملکه ای نفسانی را در انسان ایجاد می‌کنند (۱۴).

اخلاق عبارت است از ملکات راسخ نفسانی (۱۵) اخلاق اعم از ملکات و ردایل و فضایل اخلاقی، و شامل آداب و تمام افعال اختیاری انسان می‌شود که متصف به خوب و بد بوده است و بار ارزشی دارد (۱۶).

تربیت اخلاقی^{۱۱} چگونه است؟

فضیلت و شرافت علم اخلاق و ارزش والا و شان رفیع آن بر صاحبان بینش‌های نکته سنج و مالکان افهام روشن پوشیده نیست آن‌ها می‌دانند که قوام دین به اخلاق است و نظام عقلانی عالم بر آن مبتنی است و طلبش بر همه واجب است و بدین وسیله است که پیروی از رسول اکرم (ص) و خانواده ی گرامی اش میسر می‌شود. زیرا اخلاق حسنه نجات بخش و خلق نکوهیده سمی کشنده است که باعث دوری از جوار پروردگار و دخول در نظام شیاطین لعین می‌شود، و ضرری که از امراض روحی بر دین وارد می‌شود، بس بزرگ تر از ضرری است که امراض بدن بر جسد وارد می‌کنند چه این امراض، حیات جسد را به خطر می‌اندازند ولی امراض روحی حیات ابدی را از انسان می‌گیرد (۱۷). منظور از «تربیت اخلاقی»، زمینه سازی و ارائه راه کارهای معرفتی و انگیزشی، و عملی و رفع موانع به منظور رشد و شکوفایی انسان در حوزه اخلاق است که در نتیجه آن، صفات و ملکات فاضله و رفتار متناسب با آن در انسان ایجاد شود. برخی هدف‌هایی از تربیت اخلاقی را «عبادت و آزادی از هر قید و بندی می‌دانند» (۱۸). و بعضی دیگر «تحقق خلافت الهی» را غایت تربیت اخلاقی می‌دانند (۱۹). گروهی دیگر «قرب و رضای الهی» را هدف غایی در اخلاق می‌دانند (۲۰).

سراب هم در مقابل آب به واسطه تالو خوردن در برابر انسان هویدا است، و مدت عمر انسان هم محدود است (۲۳).

— احسان به والدین

در احادیث، در مورد احسان به والدین^{۱۲} بسیار سفارش شده و از آزدن آنان نکوهش به عمل آمده است: پاداش نگاه رحمت به والدین، حج مقبول است. رضایت آن دو رضای الهی و خشم آنان خشم خداست. احسان به پدر و مادر عمر را طولانی می‌کند و سبب می‌شود که فرزندان نیز به ما احسان کنند. در احادیث آمده است: حتی اگر تو را زدند، تو «اف» نگو، خیره نگاه مکن، دست بلند مکن، جلوتر از آنان راه نرو، آنان را به نام صدا زن، کاری مکن که مردم به آنان دشنام دهند، پیش از آنان منشین و پیش از آنکه از تو چیزی بخواهند به آنان کمک کن.

بر اساس تعالیم اسلامی^{۱۳} مسئله احسان به پدر و مادر بعد از مسئله توحید خدا واجب ترین واجبات است همچنانکه مسئله عقوق بعد از شرک ورزیدن به خدا از بزرگترین گناهان کبیره است، و به همین جهت این مسئله را بعد از مسئله توحید و قبل از سایر احکام اسم برده و این نکته را در آیات متذکر شده است.

رابطه عاطفی میان پدر و مادر از یک طرف و میان فرزندان از طرف دیگر از بزرگترین روابط اجتماعی است که قوام و استواری جامعه انسانی بدانها است، و همین وسیله ای است طبیعی که زن و شوهر را به حال اجتماع نگه داشته و نمی‌گذارد از هم جدا شوند، بنابراین از نظر سنت اجتماعی و به حکم فطرت، لازم است آدمی پدر و مادر خود را احترام کند و به ایشان احسان نماید زیرا که اگر این حکم در اجتماع جریان نیابد و فرزندان با پدر و مادر خود معامله یک بیگانه را بکنند قطعاً آن عاطفه از بین رفته و شیرازه اجتماع به کلی از هم گسیخته می‌گردد (۲۴).

— نهی اسلام از خودکشی و قتل به ناحق

در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم که فرمود: «نابودی دنیا و آنچه در آن است نزد خدا آسان تر است از کشتن مؤمنی و اگر اهل آسمان ها و اهل زمین در ریختن خون فرد با ایمانی شرکت داشته باشند خداوند همه را در آتش داخل می‌کند» (۲۵). در اینکه چگونه ممکن است قاتل عمد، خلود در آتش دوزخ داشته باشد با اینکه تنها کافراند که مخلد در آتشند؟ گاه گفته شده: چنین افرادی موفق به توبه نمی‌شوند یا کمتر موفق به توبه می‌شوند، آنها در آخر عمر بی ایمان از دنیا می‌روند و به همین جهت مستحق خلود در دوزخ می‌شوند. و گاه گفته اند: این، کیفر کسانی است که قتل عمد را از روی انکار تحریم آن انجام دهند، خود این امر موجب کفر است، و گاه گفته شده که: خلود در اینجا به معنای مدت طولانی است نه جاودانگی عذاب (۲۶). همچنین در تعالیم اسلام بر این امر تاکید می‌شود که چه نفس خودتان و چه نفس غیر خودتان را نمی‌توانید بکشید و در خودکشی^{۱۴} نمی‌توانید بگویید: من از جان خودم سیر شده‌ام و می‌خواهم خودم را بکشم! چنین حقی به انسان داده نشده است. اگر انسان إنتحار کند، در جهنم مخلد است؛ چون انسان مالک خودش

«تربیت اخلاقی»، فرایند درونی سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل است. «تربیت اخلاقی» مسیر گذار از وضعیت موجود (دامنه ای که مبدا حرکت انسان است) به سوی قله کمال را بازمی‌نماید و آدمی را چونان راه می‌برد تا سیمای آرمانی انسان اخلاقی را در لوح وجود خویش نقش کند. «تربیت اخلاقی» تحقق عینی همه آموزه‌هایی است که دانش «اخلاق» بدان فرامی‌خواند. می‌توان گفت که «اخلاق» مقاصد و غایات حرکت انسان را بازمی‌نماید در حالی که «تربیت اخلاقی» احکام جریان و قواعد حرکت انسان بدان سو را بازمی‌نماید. به تعبیر دیگر اخلاق پرسش از ماهیت ارزش‌ها، و تربیت پرسش از کیفیت دست‌یابی بدان را پاسخ می‌گوید.

تبیین مبانی و اصول تربیت اخلاقی در اسلام

اخلاق مهم‌ترین مسئله‌ای است که از دیرباز مورد توجه بزرگان و علما و متخلفین به اخلاق حسنه بوده است و همگی بر عدم کفایت علم بدون تخلق به اخلاق تاکید می‌ورزند. اولیای الهی و به‌خصوص انبیاء، برای تبدل اخلاق سیئه به اخلاق حسنه در انسان مبعوث شده‌اند؛ و این بعثت به معنای حرکت از عالم حیوانیت و عالم بهیمیت و عالم شهوات و عوالم نفس و دنیای مادون، و صعود به عوالم ربوبی و صفاتی است که خدای متعال، خود متخلق به این صفات است. و لهذا کسی که دارای اخلاق حسنه می‌شود، این بدین معنا است که به صفات باری تعالی متصف می‌شود، که بازگشت آن به مسئله توحید و اصل توحید است؛ و این نهایت حرکت انسان و سیر انسان خواهد بود (۲۱). در این بخش سعی بر آن شده تا نمونه‌هایی از مبانی تربیت اخلاقی را از منظر اسلام مورد ارزیابی قرار داده و بدین ترتیب به فلسفه حقیقی تربیتی که در بطن اسلام نهفته است دست یافت:

— جزای تبعیت از هوای نفس با وجود علم یقینی به آن

یکی از عوامل زمینه ساز تسلط شیطان، هوای نفس است؛ بدین طریق که نفس مسوله و اماره، ابزار درونی تسلط شیطان است. هوای نفس، مانع تعالی و پیشرفت و صعود به قله‌های بزرگ معنویت و رشد اخلاقی انسان است، چنانکه رسول خدا (ص) فرمودند: «سرسخت ترین دشمنان تو نفس توست که در درون خودت است» (۲۲). ما در حالات نفسانی خود یک طیفی داریم که در بعضی اوقات که باید اقرار به حق کنیم، با اینکه می‌دانیم حق است، به‌واسطه بعضی از جهات اعتباری، اقرار نمی‌کنیم و همین‌طور دنبال سراب می‌رویم و آب از دستمان می‌رود! در یک قضیه دیگر هم اتفاق می‌افتد که می‌فهمیم این حق است ولی اقرار نمی‌کنیم؛ سپس یک قضیه دیگر، یک قضیه دیگر و... و این دائمی می‌شود: سراب و سراب و سراب! آن وقت ما می‌بینیم که چند بار به دنبال سراب رفته‌ایم و خدای نا کرده اگر این رفتن‌ها تکرار بشود، عمر انسان ضایع می‌شود. مقداری که انسان می‌تواند حرکت کند، از صبح است تا به غروب؛ و وقتی غروب بشود و خورشید غروب کند، هم سراب از بین می‌رود و هم دیگر آبی نیست. تا هنگامی که آب هست، آن

نیست. این اختصاص به قانون الهی دارد، و در هیچ‌یک از قوانین دنیا نیست که إنتحار حرام است؛ وقتی کسی إنتحار کرد، کدام قانون می‌تواند جلوی او را بگیرد؟! این إنتحار کرد و خودش را کشت! قوانین ظاهری متکفل امر باطن نیست و نمی‌تواند باشد! هیچ‌یک از قوانین ظاهری متکفل امر باطن نیست، اما قانون باطن یک امر دیگری است؛ می‌گوید: ای انسان، تو مالک خودت نیستی، کما اینکه مالک چیزهای دیگر هم نیستی! خدا مالک تو و مالک چیزهای دیگر است؛ و خدا به تو اجازه إنتحار نداده است و گفته است: اگر خودکشی کنی در جهنم مخلّد خواهی بود (۲۴).

— اهمیت آرامش و نداشتن عجله در امور

صاحب‌نظران علوم اسلامی در تبیین واژه عجله می‌گوید: «هر چیزی را که آدمی پیش از وقت و فصل خودش طلب کند بر آن (عجله) صدق می‌کند و ریشه این صفت نکوهیده در قوه شهویه انسانی است از این رو غالباً مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است» (مفردات راغب) مرحوم نراقی می‌گوید: «عجله و شتابکاری آن است که آدمی به مجرد این که امری به خاطر او خطور کند اقدام به آن نماید، بدون آن که اطراف آن را ملاحظه نماید و در عاقبت آن تأمل کند، و این از کم دلی و ضعف نفس است. و از راههای بزرگ شیطان و ان‌لعین، بسیاری از فرزندان آدم را با این صفت به هلاکت رسانیده.» (۲۷). اسلام از هر چیزی که آدمی را از رسیدن به کمال معنوی و نتیجه مطلوب در زندگی باز می‌دارد به شدت جلوگیری کرده و آن را مورد نکوهش قرار داده و نسبت به آن هشدار داده است تا انسان با توجه به آن نکوهش‌ها و هشدارها بی‌فکری و بی‌تدبیری نکند و با مطالعه و بصیرت همه سویه امور زندگی اجتماعی خود را سامان دهد نماید. در رابطه با عجله و شتابکاری نیز همین نکوهشها و هشدارها را مشاهده می‌کنیم: امام علی (ع) می‌فرماید: «از شتاب کردن در کارها پیش از فرارسیدن زمان آنها، و کوتاهی کردن در آنها وقتی زمانشان فرا رسید دوری کن». در این حدیث شریف عدم زمان‌شناسی ریشه شتابزدگی شمرده شده و ضرورت زمان‌شناسی برای انجام کارها از وظایف انسان مسلمان بشمار آمده است.

در قرآن بر این امر تأکید شده که فرو رفتن در نعمتها و به اصطلاح رفاه زدگی، سرچشمه فساد و سبب ایستادگی در مقابل حق است و به سقوط اخلاقی^{۱۵} و اجتماعی جامعه می‌انجامد. لازم به ذکر است که این خصلت دنیاگرایی است که مذموم است نه اصل دنیا و انسان با مطالعه در تاریخ و عبرت از احوال گذشتگان باید متذکر این مهم باشد که در برابر سنت‌های همیشه پایدار و ثابت خداوند، چگونگی صفاتی باید از خود بروز دهد و شرط اصلی در نتیجه‌گیری از تلاش‌های دنیوی و سعادت اخروی که همان ایمان داشتن است، را مدنظر داشته باشد.

آنچه در فرهنگ دینی به عنوان «عجله ناپسند» مورد نکوهش قرار گرفته آن مواردی است که انسان چشم و گوش بسته بدون مطالعه و بدون بررسی کارشناسانه بخواهد دست به کاری کوچک یا بزرگ بزند که نمی‌داند خیر است یا شر. به نفع است یا به ضرر، اما آن گاه که کاری را با بصیرت مورد مطالعه قرار داد و تمام جوانب آن را با همه

احتمالات آن بررسی کرد و معلوم شد که انجام آن ضرری به دین و دنیای او نمی‌زند، بلکه خیر و برکت و عاقبت به خیری را به دنبال دارد. مسامحه و تأخیر در آن روا نیست، بلکه سرعت و شتاب مورد تأکید و سفارش دین نیز می‌باشد. ضد صفت عجله "وقار" است و آن عبارت است از اطمینان نفس و سکون آن در گفتار و کردار و حرکات و سکنات، هم پیش از آن که شروع در یکی از آنها کند، و هم بعد از آن تا هر جزئی از آن کار را به موافق فکر و تدبیر به جا آورد.

— فرو بردن خشم (کظم غیظ):

کظم غیظ نشانه اراده و اعتماد به نفس است. فرد کاملاً به صورت ارادی و اختیاری خشم و غضب خود را فرو می‌نشاند. در واقع با کظم غیظ، خشم و غضب از بین می‌رود و محو می‌گردد. اینکه در فارسی گفته می‌شود «فرو بردن خشم» به معنای «درون ریزی خشم» یعنی نقطه مقابل «برون ریزی خشم» که یک مفهوم روانشناختی است، نمی‌باشد. کظم غیظ به معنای درون ریزی خشم نیست، چون باعث افسردگی می‌شود، بلکه کظم غیظ به معنای از بین بردن خشم است. وقتی کظم غیظ حاصل شود به معنای این است که دیگر هیچ خشمی وجود ندارد. کظم غیظ در واقع به معنای مهار کردن خشم است.

علمای اخلاق رعایت اعتدال در خشم را نه تنها مذموم نمی‌خوانند بلکه از منظر ایشان مطلوب نیز هست، زیرا ایشان نیروی غضبیه را در کنار قوای عاقله، شهویه و وهمیه یکی از نیروهای چهارگانه ای می‌دانند که خدا در انسان به ودیعت گذاشته و آن را مادامی که اعتدال در این قوه حاکم باشد از نعمت‌های بزرگ الهی می‌خوانند که با آن امر دنیا و آخرت سامان می‌یابد. حد اعتدال خشم، خضب نیست بلکه شجاعت و قدرت نفس است (۳۱) و امام صادق (ع) نیز «نشان دادن واکنش‌های قاطعانه را یکی از نشانه‌های مؤمن دانسته است» (۲۸).

نتیجه‌گیری

اخلاق مهم‌ترین مسئله‌ای است که از دیرباز مورد توجه بزرگان و علما و متخلّین به اخلاق حسنه بوده است و همگی بر عدم کفایت علم بدون تخلّق به اخلاق تأکید می‌ورزند. اولیای الهی و به خصوص انبیاء، برای تبدل اخلاق سیئه به اخلاق حسنه در انسان مبعوث شده‌اند. از این رو «تربیت اخلاقی» نیز، فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل است. «تربیت اخلاقی» مسیر گذار از وضعیت موجود (دامنه ای که مبدا حرکت انسان است) به سوی قله کمال را بازمی‌نماید و آدمی را چونان راه می‌برد تا سیمای آرمانی انسان اخلاقی را در لوح وجود خویش نقش کند. بر طبق بررسی که از تفاسیر مختلف از آیات و روایات اخلاقی و مبانی تربیتی آنها در ۵ موضوع تبعیت از هوای نفس، احترام به والدین، خودکشی و قتل، تعجیل در امور، خشم صورت‌گرفت مشخص شد:

— در زمینه تبعیت از هوای نفس علما اخلاق اسلامی بیان می‌کنند انسان در حالات نفسانی خود طیفی دارد که در پاره ای اوقات باید



یکی از نیروهای چهارگانه ای می دانند که خدا در انسان به ودیعت گذاشته و آن را مادامی که اعتدال در این قوه حاکم باشد از نعمت های بزرگ الهی می خوانند که با آن امر دنیا و آخرت سامان می یابد.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Heavenly leaders	رهبران آسمانی
2. Moral virtues	سجایای اخلاقی
3. Inherent value	ارزش فطری
4. Spiritual virtue	فضیلت معنوی
5. Moral value	ارزش اخلاقی
6. Spiritual excellence	تعالی معنوی
7. Moral construction	سازندگی اخلاقی
8. Education	تربیت
9. Islamic personality	شخصیت اسلامی
10. Ethics	اخلاق
11. Ethical education	تربیت اخلاقی
12. Kindness to parents	احسان به والدین
13. Islamic training	تعالیم اسلامی
14. Suicide	خودکشی
15. Moral collapse	سقوط اخلاقی

اقرار به حق کند، با اینکه می داند حق است، به واسطه بعضی از جهات اعتباری، اقرار نمی کند و همین طور دنبال سراب می رود.

در احادیث، در مورد احسان به والدین بسیار سفارش شده و از آزردن آنان نکوهش به عمل آمده است.

در زمینه خودکشی تعالیم اسلام بر این امر تاکید می شود که چه نفس خودتان و چه نفس غیر خودتان را نمی توانید بکشید و اگر انسان ایتحار کند، در جهنم مخلد است؛ چون انسان مالک خودش نیست. این اختصاص به قانون الهی دارد، و در هیچ یک از قوانین دنیا نیست که ایتحار حرام و غیر اخلاقی است

در زمینه تعجیل در امور تعالیم اسلام بیان می کند فرو رفتن در نعمتها و به اصطلاح رفاه زدگی، سرچشمه فساد و سبب ایستادگی در مقابل حق است و به سقوط اخلاقی و اجتماعی جامعه می انجامد. اسلام از هر چیزی که آدمی را از رسیدن به کمال معنوی و نتیجه مطلوب در زندگی باز می دارد به شدت جلوگیری کرده و آن را مورد نکوهش قرار داده و نسبت به آن هشدار داده است تا انسان با توجه به آن نکوهشها و هشدارها بی فکری و بی تدبیری نکند و با مطالعه و بصیرت همه سویه امور زندگی اجتماعی خود را سامان دهد نماید. در رابطه با عجله و شتابکاری نیز همین نکوهشها و هشدارها را مشاهده می کنیم: امام علی (ع) می فرماید: « از شتاب کردن در کارها پیش از فرارسیدن زمان آنها، و کوتاهی کردن در آنها وقتی زمانشان فرا رسید دوری کن» در این حدیث شریف عدم زمان شناسی ریشه شتابزدگی شمرده شده و ضرورت زمان شناسی برای انجام کارها از وظایف انسان مسلمان بشمار آمده است.

در زمینه خشم علمای اخلاق اسلامی رعایت اعتدال در خشم را نه تنها مذموم نمی خوانند بلکه از منظر ایشان مطلوب نیز هست، زیرا ایشان نیروی غضبیه را در کنار قوای عاقله، شهویه و وهمیه

References

1. Wsmaili Yazdi A. Character culture (moral dos and don'ts). 1st ed. Tehran: Dalile Ma. 2007. (In Persian).
2. Majlesi M. Bahar Al-Anvar. 1st ed. Beirut: Dar Al-Vafa. 1403. (In Arabic).
3. Ibn-Manzoor M. Lisan Al-Arab. 1st ed. Qom: Dar Al-hawzeh. 1408. (In Arabic).
4. Ibn-Fares A. Dictionary of language standards. Beirut: Dar-Aljail. 1411. (In Arabic).
5. Tabarsi F. Majma Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. 3rd ed. Tehran: Naser Khosro Publication. 1993. (In Persian).
6. Faghihi SA. Methods of moral education in al-Mizan. 1st ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. 2014. (In Persian).
7. Motahari M. Collection of works. 11th ed. Qom: Sadra Publication. 2004. (In Persian).
8. Group of Authors. Religious education in contemporary Islamic society. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. 2009. (In Persian).
9. Bagheri K. A new look at Islamic education. 13th ed. Tehran: Madrese Publication. 2006. (In Persian).
10. Afkhami Ardakani M. Explanation of social education methods in Nahj al-Balagha. 1st ed. Qom: Nahj al-Balagha Publication. 2007. (In Persian).
11. Khanahmadi M, Farhud DD, Ranjbar B, Malmir M. Ethics in Convergence of Science and Technology. Ethics in Science and Technology 2016; 11 (2): 1-10. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1395.11.2.1.1](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1395.11.2.1.1)
12. Rahnama A, Jahan J. Explaining and analyzing the relationship between moral and religious education and information and communication technology. Ethics in Science and Technology 2023; 18 (3): 10-17. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1402.18.3.2.3](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1402.18.3.2.3)
13. Attar S, Nateghi F, Erfani N. Investigating the position of cognitive developmental moral education approach in persian textbooks of the first secondary school. Ethics in Science and Technology 2022; 17 (3): 159-163. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1401.17.3.22.6](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1401.17.3.22.6)
14. Rangbar F, Heydari M, Vaezi SH. The model of moral education from the perspective of Allameh Jafari. Ethics in Science and Technology 2021; 16: 35-43. (In Persian).

15. Attar S, Nateghi F, Erfani N. Evaluating the function of heavenly messages textbook authors based on the values explanation approach in moral education. *Ethics in Science and Technology* 2020; 15 (3) :123-130. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1399.15.3.17.7](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1399.15.3.17.7)
16. Moradi Mokhles H, Heydari J, Pooti N. Development of ethical education along with the components of critical thinking. *Ethics in Science and Technology* 2018; 13 (3) :8-15. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1397.13.3.2.8](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1397.13.3.2.8)
17. Bashar SA. *Ethics*. 15th ed. Qom: Hejrat Publication. 2010. (In Persian).
18. Rostami Nasab A. *The ultimate goal in religious education with an Islamic approach*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. 2009. (In Persian).
19. Firoozmehr MM. *Moral education with a Quranic perspective*. 1st ed. Qom: Islamic Ads Publication. 2014. (In Persian).
20. Hoseini Tehrani SM. *The light of the kingdom of the Qur'an*. 1st ed. Tehran: Maktab Vahi. 2000. (In Persian).
21. Hoseini Tehrani SM. *The basics of ethics in verses and hadiths*. 1st ed. Tehran: Maktab Vahi. 2019. (In Persian).
22. Varam M. *The collection*. 1st ed. Qom: Makab Feghye. 1410. (In Arabic).
23. HOseini Tehrani SM. *Marriage treatise*. 2nd ed. Qom: Allame Tabaei Publication. 2010. (In Persian).
24. Tabatabaei MH. *Tafsi al-mizan*. 5th ed. Qom: The Islamic Publication of the Community of Teachers. 1995. (In Arabic).
25. Aloosi SM. *The spirit of meanings in the interpretation of the Great Qur'an and the Seven Repeated Verses*. Beirut: Dar Al-kotob. 1415. (In Arabic).
26. Makarem Shirazi N. *Selected sample commentary*. Tehran: Dar Al-kotob Islamic. 2007. (In Persian).
27. Naraghi A. *Ascension of happiness*. 1st ed. Tehran: Islamic Science. 1969. (In Arabic).
28. Helli H. *Summary of insights*. 1st ed. Qom: Islamic Publishing Foundation. 1421. (In Arabic).

